

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)  
سال بیست و نهم، دوره جدید، شماره ۴۳، پیاپی ۱۳۳، پاییز ۱۳۹۸ / صفحات ۷۴-۵۳

## نقش سیاست‌های تأمین مسکن در نارضایتی کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران در مناطق نفت‌خیز خوزستان مطالعه موردی: از آغاز کشف نفت تا ملی شدن صنعت نفت (۱۲۸۷-۱۳۳۰ش)<sup>۱</sup>

### کاوه رستم‌پور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰

#### چکیده

در میان عوامل درونی ایجاد نارضایتی‌های کارگران از شرکت نفت انگلیس و ایران، موضوع تأمین مسکن نقش مهمی داشته است؛ زیرا علاوه بر تأمین سرپناه، هویت کارکنان شرکت و خانواده آنها را نیز تشکیل می‌داد. با وجود این، نقش آن نسبت به سایر عوامل شغلی و معیشتی در طول زمان فعالیت شرکت نفت، مورد پژوهش مستقل قرار نگرفته است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد بایگانی‌ها تلاش شده است تا جایگاه سیاست‌های تأمین مسکن کارگران ایرانی شرکت، نسبت به سایر عوامل نارضایتی و اهمیت آن در زمان‌های مختلف تبیین شود. نتایج پژوهش نشان داد که از زمان اکتشاف نفت تا اصلاح قرارداد داری در سال ۱۳۱۲ش، موضوع مسکن نقش مهمی در ایجاد نارضایتی کارگران نداشته است، اما پس از سال ۱۳۱۲ و به‌ویژه با پایان یافتن سلطنت رضاشاه و همچنین افزایش کارگران طی جنگ جهانی دوم، تأمین مسکن اصلی‌ترین عامل نارضایتی کارگران بود که باعث اعتصاب‌های گسترده در سال ۱۳۲۵ و تغییر در سیاست‌های شرکت به سمت تولید انبوه مسکن و برآوردن خواسته آنها شد. البته با ادامه اعتصاب‌ها و همچنین ملی شدن صنعت نفت، فرصت کافی برای اجرای این برنامه‌ها باقی نماند.

**واژه‌های کلیدی:** شرکت نفت انگلیس و ایران، مسکن، مناطق نفت‌خیز، نارضایتی کارگران

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2019.21648.1743

۲. استادیار گروه معماری دانشکده مهندسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ k.rostampour@scu.ac.ir

#### مقدمه

علاوه بر عوامل بیرونی نظیر مسائل سیاسی و نفوذ حزب توده در اتحادیه‌های کارگری، عوامل درونی شامل شرایط کاری و معیشتی نیز نقش عمده‌ای در نارضایتی و در نتیجه اعتصابات کارگران «شرکت نفت انگلیس و ایران»<sup>۱</sup> در ادوار مختلف داشته است؛ که با بهره‌برداری‌های سیاسی به اعتصابات گسترده و در نهایت به ملی شدن صنعت نفت ایران منجر شد. از جمله این عوامل می‌توان به حقوق و دستمزد، حمل‌ونقل و خدمات بهداشتی، درمانی و رفاهی شرکت اشاره کرد که از آن میان، سیاست‌های تأمین مسکن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. علاوه بر تقاضای مسکن به عنوان تأمین سرپناه و مهم‌ترین محل گذران زندگی انسان، هویت کارگران و خانواده‌های آنها و حتی کارمندان نیز طی سالیان مختلف از طریق اقامت در منازل شرکت نفت شکل گرفته بوده است؛ زیرا «سلسله مراتب انعطاف‌ناپذیر محله، خیابان، کوچه و مسکن انفرادی، هر فرد در استخدام شرکت را طبق رتبه، سابقه کار، تخصص و حتی هویت قومی او تعیین نموده و به او و خانواده‌اش اسکان می‌داد» (احسانی، ۱۳۷۸: ۲۳) و منزلت و مقام وی را تعیین می‌کرد. در لابه‌لای اسناد، مدارک و مطالعات موجود درباره نیازها و خواسته‌های کارگران شرکت نفت در اعتصابات مهم ادوار مختلف، همواره رد پای مسکن و مسائل مربوط به آن دیده می‌شود. البته این موضوع به‌سان مسئله‌ای موازی در کنار سایر مسائل، مورد توصیف قرار گرفته و اهمیت نقش آن نسبت به مقولات دیگر، تاکنون در پژوهشی مستقل به خوبی تبیین نشده است؛ زیرا به نظر می‌رسد در قیاس با شرایط موجود شغلی و رفاهی در سایر مناطق خوزستان در طول زمان فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران، برای بسیاری از خواسته‌های اعتراضی کارگران همتای مناسب‌تر - حتی هم‌تراز - و قابل توجه شغلی دیگری وجود نداشته و نیز علاوه بر آن، در کوتاه‌مدت و با تصمیمات مقتضی قابل حل بوده است؛ چنان‌که در برخی اعتصابات و یا توافقنامه‌ها، موضوع افزایش دستمزد و یا استفاده کارگران از خدمات بهداشتی و فروشگاه‌های شرکت و غیره به سرعت به اجرا درآمده بود. درحالی‌که مسئله مسکن به عنوان نیاز اولیه انسانی، محتاج برنامه‌ریزی و اقدامات بلندمدت بوده و موجبات اعتراض بیشتر و ادامه‌دارتری را فراهم آورده است. از سوی دیگر، کمیت (ابعاد خانه‌ها، نسبت تعداد مسکن با کارگران شرکت، تعداد کارگران و کارمندان ساکن در منازل شرکت و غیره) و کیفیت (تجهیزات، تأسیسات، مصالح و غیره) مسکن کارکنان در دوره‌های زمانی مختلف و در قیاس با شرایط سکونت سایر مناطق نفت‌خیز در نارضایتی آنها، مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است به این

سوال اساسی پاسخ داده شود که: سیاست‌های تأمین مسکن کارگران ایرانی شرکت نفت انگلیس و ایران، در میان سایر عوامل درونی نارضایتی‌ها در طول سال‌های فعالیت شرکت، دارای چه جایگاهی بوده است؟ براساس فرضیه پژوهش، به نظر می‌رسد علاوه بر عدم تمایل شرکت به تولید انبوه مسکن با توجه به کیفیت (کریسون، ۱۳۸۵)، زمان‌بر بودن فرایند برنامه‌ریزی تا اجرای آن و عدم پاسخگویی به یکی از اساسی‌ترین نیازهای کارگران ایرانی، مسکن را به عامل اصلی و واقعی نارضایتی‌های آنها تبدیل کرد و با وجود تغییری که در رویکرد شرکت برای تأمین فراگیرتر مسکن کارگران و جلب رضایت آنان در سال‌های منتهی به ملی شدن صنعت نفت به چشم می‌خورد، فرصت کافی برای انجام آن وجود نداشته است. همچنین با بررسی اسناد فعالیت بیش از چهل ساله صنعت نفت تحت قیمومیت کامل شرکت نفت انگلیس و ایران، مشاهده می‌شود که موضوع مسکن در طول این دوران به یک اندازه مورد توجه نبوده و از سال‌های میانی، پس از قرارداد الحاقی ۱۹۳۳ تا ملی شدن صنعت نفت، به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹، بر اهمیت آن در نارضایتی کارگران افزوده شده است. اهمیت این سال‌ها از سفرهای متوالی نمایندگان دولت بریتانیا به منطقه، به‌ویژه پس از اعتصاب‌های سراسری سال ۱۳۲۵ و گزارش‌های آنان به هیئت وزیران و توصیه‌های لازم به شرکت نفت که در اسناد بایگانی ملی بریتانیا (TNA)<sup>۱</sup> موجود است، قابل درک می‌باشد. روش پژوهش نوشتار حاضر، به صورت توصیفی-تحلیلی و ابزار اصلی آن منابع کتابخانه‌ای و اسناد موجود در بایگانی‌ها است. در این مقاله، سیاست‌های تأمین مسکن در شرکت نفت انگلیس و ایران به عنوان متغیر مستقل و نارضایتی کارگران ایرانی، متغیر وابسته آن است. بر این اساس، در ابتدا به عوامل نارضایتی کارگران با توجه به پیشینه موضوع پژوهش پرداخته شده و سپس مسئله تأمین مسکن توسط شرکت طی سال‌های ۱۲۸۷ تا ۱۳۳۰ش، در قیاس با سایر عوامل نارضایتی و نیز اوضاع سکونت و زندگی در سایر مناطق خوزستان، با استفاده از منابع موجود و نیز اسناد به دست آمده از بایگانی ملی بریتانیا و شرکت «بریتیش پترولئوم»<sup>۲</sup> بررسی شده است.

### عوامل نارضایتی کارگران شرکت نفت

نارضایتی کارگران تابع اقدامات و رفتارهای شرکت نفت و مقدمه اعتراض و در نهایت اعتصاب‌ها و حتی شورش بوده است. پیشینه این تحولات در چند دسته منابع قابل مرور و بررسی است. دسته اول، منابع نسبتاً پرشماری است که در آن به اقدامات مختلف صنعتی،

1. The National Archives  
2. British Petroleum

رفاهی، اجتماعی، معماری، شهرسازی و غیره شرکت طی فعالیتش پرداخته است و در خلال آن می‌توان به عوامل تنش‌زای میان شرکت و کارگران پرداخت. این منابع که به‌طور عمده منابع دست اول می‌باشند، شامل اسناد و مدارک بایگانی شرکت در دانشگاه «وارویک»<sup>۱</sup> و آثار مورخان رسمی شرکت<sup>۲</sup> و مقالات، کتب، گزارش‌ها و سفرنامه‌های مورخان، جامعه‌شناسان، داستان‌نویسان، سیاحان و افراد مهم ایرانی و خارجی با دیدگاه‌های متفاوت متغیر است. از سوی دیگر، برخی از تنش‌های میان کارگران و شرکت، به عنوان بخشی از تاریخچه اعتصابات کارگری در ایران قابل مطالعه است.

گفتنی است نزدیک‌ترین مطالعات انجام شده با موضوع این پژوهش را می‌توان در آثار نویسندگانی یافت که با استناد به منابع دست اول، به صورت دقیق به اعتصابات کارگری شرکت نفت پرداخته‌اند (بیات، ۱۳۸۴؛ ندیم و حبیبی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ علم و کاشانی، ۱۳۹۵؛ کاشانی و علم، ۱۳۹۶). علم و کاشانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود دستمزد کارگران شرکت، تسهیلات شرکتی، مسکن کارگران شرکت نفت و امکانات بهداشتی و درمانی را از مهم‌ترین عوامل تنش‌زای میان کارگران و شرکت دانسته‌اند. ندیم و حبیبی‌نژاد (۱۳۹۵) زمینه‌ها و علل اعتصابات کارگری را در دو دسته صنفی و سیاسی تقسیم‌بندی کردند و بر این باور بودند که در ابتدا بیشتر جنبه صنفی و در سال‌های بعد جنبه سیاسی در آن دخیل بوده است. مقوله مسکن در کنار عواملی چون آب سرد نوشیدنی برای کارگران، بهداشت و درمان، اولویت استخدام هندی‌ها، حقوق و مزایای بیشتر انگلیسی‌ها و زندگی لوکس و نگاه تحقیرآمیز آنها به ایرانیان و غیره، در دسته عوامل صنفی گنجانده شده است. در سایر پژوهش‌ها نیز کم‌وبیش نام همین عوامل به اشکال مختلف به چشم می‌خورد.

گفتنی است در پژوهش حاضر، علل نارضایتی در دو دسته کلی عوامل درونی و بیرونی جای داده شده‌اند. عوامل بیرونی عواملی‌اند که خارج از رابطه شرکت و کارگران و مناطق تحت نفوذ و عمل آنها (چاه‌ها و لوله‌های نفت، پالایشگاه‌ها، مناطق مسکونی و غیره) قرار داشتند، اما این رابطه را تحت تأثیر قرار دادند و گاهی باعث رضایت و یا نارضایتی کارگران از شرایط موجود و یا گسترده‌تر شدن نارضایتی به سمت اعتصاب شده‌اند. تنش‌های میان دولت و شرکت، تحریکات حزب توده و دولت اتحاد جماهیر شوروی، شرایط اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و سکونت‌ی مردم سایر مناطق نفت‌خیز و حتی کشور، در این دسته از عوامل جای می‌گیرند. برای مثال، چنین عنوان شده است که دیکتاتوری و شدت عمل رضاشاه باعث عدم

1. Warwick University

۲. ریچارد فریر (Richard Ferrier) و جان بامبرگ (John Bamberg) که تاریخچه شرکت را در دو جلد به رشته تحریر درآورده‌اند.

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۵۷

بروز اعتصابات به‌ویژه تا سال ۱۳۲۰ بوده (همان، ۱۸۲) و یا کرایه گزاف مسکن در شهرهای نفتی، در نارضایتی از میزان افزایش دستمزدها و حق مسکن مؤثر بوده است (علم و کاشانی، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

عوامل درونی عواملی‌اند که در متن رابطه کارگران با شرکت قرار داشته‌اند. این عوامل را نیز می‌توان در دو دسته شغلی (کار) و معیشتی (زندگی) دسته‌بندی کرد. عوامل شغلی ناظر به رابطه مستقیم شخص مستخدم با شرکت نفت بوده است؛ عواملی چون حقوق و دستمزد، اولویت‌های استخدامی، حمل و نقل، قوانین کار، آب یخ، حوادث ناشی از کار، روز تعطیل با احتساب مزد و غیره از آن جمله‌اند. عوامل معیشتی علاوه بر شخص مستخدم، خانواده وی را نیز شامل می‌شده است. تأمین مسکن، خدمات بهداشت و درمان، فروشگاه‌های شرکت، آموزش فرزندان و جیره غذایی، از مهم‌ترین عوامل داخلی معیشتی ایجاد نارضایتی کارگران از شرکت نفت بوده است (جدول شماره ۱). با وجود اهمیت عوامل بیرونی، در این پژوهش نقش سیاست‌های تأمین مسکن در مقایسه با سایر عوامل داخلی مد نظر قرار گرفته است.

جدول شماره ۱. عوامل درونی نارضایتی کارگران ایرانی شرکت نفت

معیشتی	شغلی
بهداشت و درمان	دستمزد
ورزش	حمل و نقل
فروشگاه	قوانین کاری
جیره غذایی	بیمه حوادث
مسکن و غیره	آب یخ و غیره

## ۲. سیاست‌های تأمین مسکن در شرکت نفت انگلیس و ایران

در پنجم خرداد ۱۲۸۷ عملیات اکتشاف نفت در منطقه مسجدسلیمان به نتیجه رسید. بلافاصله در سال ۱۹۰۹ شرکت نفت انگلیس و پارس<sup>۱</sup> تأسیس شد و فهرستی از ضروری‌ترین امور پس از کشف نفت را تهیه کردند که از این قرار بود: «تهیه وسایل فنی مدرن، وسایط نقلیه موتوری، استخدام کارکنان جدید، تکمیل کادر فنی، تهیه و به کار انداختن اولین کارخانه مولد برق، طرح‌ریزی نخستین سیستم خطوط اجتماعی، مذاکره و عقد قرارداد با شیخ محمدره در جهت جزیره آبادان برای ایجاد پالایشگاه و کشیدن جاده‌ای مناسب از «درخزینه» به مسجدسلیمان و همچنین انتخاب محل مناسب در مسجدسلیمان برای ایجاد و ساختمان اولین دهکده به منظور

1. Anglo Persian Oil Company

سکونت در آن» (بیوگرافی رینولدز نخستین کاشف نفت ایران، ۱۳۵۱: ۷۷۱). سرعت این عملیات به حدی بود که «تا سال ۱۹۱۱، خط لوله‌ای به طول ۱۳۰ مایل از چاه‌های این تپه‌ها [مسجدسلیمان] تا جزیره آبادان در کرانه اروندرود کشیده شد» (کرینسون، ۱۳۸۵: ۹۶). گفتنی است در خلال این موضوعات، دو مورد اساسی در اولویت‌ها و به موازات هم به چشم می‌خورد: نیروی انسانی و اسکان آنها. نیروی انسانی ماهر از بریتانیا وارد ایران می‌شد. نیروی نیمه‌ماهر نیز از کشوری چون هندوستان تأمین می‌شد و سهم افراد بومی منطقه حضور در کارهای کارگری بسیار ساده بود که حتی در سال‌های ابتدایی، شرکت سعی در اجتناب از آن و تأمین نیرو از کشورهای اطراف داشت (Ferrier, 1982: 154)؛ زیرا اگر این کارگران به شیوه استخدام خود اعتراض می‌کردند، به سهولت به خدمت آنها خاتمه می‌دادند و آنها را روانه کشورهای خود می‌کردند (ندیم و حبیبی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۶۶). البته ورود این نیروها مستلزم تعبیه مکانی برای استقرار آنها نیز بود؛ به همین دلیل از این زمان تا پایان تسلط شرکت نفت انگلیس و ایران بر صنعت نفت ایران در سال ۱۳۳۰، مسئله تأمین مسکن همواره به عنوان سخت‌ترین مسئله رفاهی شرکت به حساب می‌آمده است (Bamberg, 1994: 99). البته این مسئله در طول سال‌های مختلف به یک سان بروز نکرده بود و به تبع آن برخورد شرکت نیز متفاوت بوده است. با نگاهی کوتاه به این دوران می‌توان دو بازه زمانی مشخص را ترسیم کرد؛ اولی از سال ۱۲۸۷ تا ۱۳۱۲ش و دیگری از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۳۰ش. بر این اساس، در ادامه به بررسی کمی و کیفی مسکن شرکت در این دو دوره زمانی پرداخته شده است.

#### دوره اول. از سال ۱۲۸۷ تا ۱۳۱۲ش / ۱۹۰۸ تا ۱۹۳۳م.

درواقع، این سال‌ها زمان شکل‌گیری اولیه فعالیت‌های شرکت نفت در ایران بود که از سال ۱۲۸۷ش، یعنی زمان اکتشاف نفت آغاز شد و تا سال ۱۳۱۲ش، یعنی زمان لغو و اصلاح قرارداد داریسی ادامه یافت. فریر (۱۹۸۲) در جلد اول کتاب *تاریخچه شرکت بریتیش پترولئوم*، با تعریف آغاز این دوره از زمان قرارداد داریسی، آن را «سال‌های توسعه»<sup>۱</sup> نامیده است؛ که دقیقاً در برگیرنده همین دوره زمانی است (۱۹۰۱-۱۹۳۲). همچنین با توجه به تغییر نام شرکت از «انگلیس و پارس» به «انگلیس و ایران» در سال ۱۳۱۴، می‌توان آن را «سال‌های انگلیس و پارس» نیز نامید. در این بحبوحه و با توجه به ضعف دولت مرکزی در اواخر قاجاریه، بریتانیایی‌ها با فراغ بال و کاملاً به دور از اتفاقات پایتخت، در خوزستان با خوانین بختیاری و شیوخ عرب که با استفاده از همین ضعف سعی در بسط سلطه خود در منطقه داشتند، به تعامل

پرداختند و به سرعت اقدامات فنی و عمرانی خود را گسترش دادند و دو شهر مهم را پایه‌گذاری کردند که طی این سالیان به عنوان تنها مناطق شرکتی حضور داشته‌اند. یکی، مسجدسلیمان که تقریباً تا بیست سال تنها مرکز استخراج نفت بود و دیگری آبادان که به عنوان مرکز پالایش و صدور نفت شناخته می‌شد.



شکل ۱. بنگله شماره ۱ هفتکل  
شکل ۲. نمای داخلی خانه دکتر یانگ در سال ۱۳۰۵

منبع: بایگانی شرکت بریتیش پترولئوم  
منبع: بایگانی شرکت بریتیش پترولئوم

شهرکی که قرار بود در منطقه مسجدسلیمان ساخته شود، با احداث خانه دکتر یانگ آغاز شد (قاسمی و محمدی، ۱۳۹۶) و پس از آن هسته اولیه مسجدسلیمان با ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر سکنه و مساحتی در حدود یک کیلومتر مربع نهاده شد که تا سال ۱۹۱۴م/۱۲۹۳ش. رشد سریعی را تجربه کرد. «خسروخان بختیاری» در خاطرات سفر خود به مسجدسلیمان از حدود سال ۱۳۰۰ش. چنین آورده است: «در مسجدسلیمان انگلیسی‌ها چندین عمارت ساخته‌اند» (بختیاری، ۱۳۵۶: ۶۳). بریتانیایی‌ها با اطمینان از اقامت طولانی در این منطقه، سعی در ایجاد رفاه خود و خانواده‌هایشان داشتند؛ به همین دلیل با نسخه‌برداری از بنگله‌ها<sup>۱</sup> که در مستعمرات رواج داشت، دست به ساخت و ساز خانه‌های مجلل زدند (شکل ۱). درون این خانه‌ها و اثاثیه آنها کاملاً براساس شکل زندگی بریتانیایی‌ها استوار بود و تنها به واسطه گرمای طاقت‌فرسای محیط، لوازم خنک‌کننده در آنها تعبیه می‌شد. در تصویری که از سال ۱۳۰۵ از خانه «دکتر یانگ» در مسجدسلیمان موجود است، بخشی از دکوراسیون داخلی و حال و هوای کلی درون بنگله‌های بریتانیایی به نمایش درآمده است (شکل ۲). دسته دوم، مسکن‌هایی بودند که بیشتر نام سرپناه براننده آنهاست. یک نوع مسکن بسیار ابتدایی و بدون هرگونه امکانات که به تعداد کمی از کارگران ایرانی ساکن در مسجدسلیمان تعلق می‌گرفت (شکل ۳). این ساختمان‌ها «با سبک و سیاق معماری متداول آن زمان خوزستان، دارای دیوارهای بسیار بلند و قطور از سنگ لاشه و ملات گل یا مخلوطی از خاک و گچ بود. در مواردی که دهنه دیوارها به یکدیگر

نزدیک بود، از سقف طاق ضربی استفاده می‌شد و در غیر این صورت با قرار دادن لوله‌های فولادی قطور با فواصل معینی بر روی دیوارها و چیدن ورق‌های موج‌دار فلزی روی آنها، نسبت به ایجاد سقف ساختمان اقدام می‌شد» (علم و ببادی، ۱۳۹۴: ۳۹). البته از این دوره اطلاعات جامعی در دسترس نیست، اما با «تولید بالای نفت در اواخر سال‌های جنگ [جهانی] اول و تأسیسات لازم برای آن، از قبیل نیروگاه برق، تلمبه‌خانه و تأسیسات آب، تأسیسات مهندسی، پالایشگاه‌های مهندسی و غیره نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۲۰م (حدود ۱۳۰۰ش) می‌بایست شرکت شهری تمام‌عیار شکل گرفته باشد» (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۶)؛ حال آنکه به نظر نمی‌رسد این شهرک به دلیل پراکندگی اماکن عملیاتی و چاه‌های نفت، دارای شکل چندان منسجمی بوده باشد.



شکل ۳. خانه‌های کارگری در مسجدسلیمان  
منبع: شرکت نفت مسجدسلیمان

درباره آبادان اطلاعات بیشتری در دسترس است. بلافاصله عملیات ساخت پالایشگاه آغاز شد و محوطه‌ای متصل به آن در ضلع جنوب غربی، برای ساخت خانه‌های ویلایی اختصاص یافت. این منطقه، هسته اولیه شکل‌گیری مناطق مسکونی آبادان جدید است که اولین ساختمان ویلایی آن در حدود سال ۱۹۱۰ شکل گرفت (کرینسون، ۱۳۸۵: ۹۶). این ویلا ساختمانی آجری و با سبک محلی و سقفی از حصیر و چنل بود؛ سقفی با تیرهای چوبی نازک نزدیک به هم که بر روی آن حصیرهای بافته از برگ نخل می‌انداختند و رویشان را گل می‌گرفتند. چند سال بعد، این ساختمان تخریب و ویلای شماره ۱ جایگزین شد. در آن منطقه، بنگله‌های دو طبقه دیگری نیز ساخته شد که به مدیران ارشد شرکت نفت اختصاص داشت (شکل ۴).



تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۶۱

همچنین در سال ۱۹۲۳ خوابگاه‌هایی برای اقامت کارمندان مجرد ساخته شد (همان). محمدتقی بهار که در سال ۱۳۰۶ همراه با عده‌ای از وزرا و نمایندگان مجلس، به دعوت شرکت نفت و ترغیب رضاشاه، برای بازدید از مؤسسات نفت به آبادان و مسجدسلیمان سفر کرده بود، این چنین آورده است:

قریه ویران آبادان که بد ضرب المثل این زمان شهریش پر قصر و خیابان کرده‌اند (عباسی شهنی، ۱۳۷۵:۱۴۲)

اوضاع کارگران ایرانی شرکت نیز تفاوت چندانی با مسجدسلیمان نداشت. کارگران در چادر زندگی می‌کردند و یا در خانه‌های کوچک گلینی ساکن بودند که در جنوب شرقی پالایشگاه مثل سربازخانه ردیف شده بودند و محوطه آنها به «کولی‌لاین‌ها»<sup>۱</sup> معروف بود (همان، ۹۶). منوچهر فرمانفرمایان در این دوره مقایسه‌ای میان مناطق کارگری و بریتانیایی‌ها انجام داده و از واژه «کاغذآباد» استفاده کرده است که «هیچ چیزی ندارند. نه یک حمام نه حتی یک درخت و یک فلاسک چای؛ درحالی‌که در سمت انگلیسی گل، استخر و تنیس و باشگاه وجود دارد» (Karimi, 2013: 78). عملیات توسعه شرکت نفت انگلیس و ایران، تا سال ۱۳۱۲ به همین روال ادامه داشت. از میان مهم‌ترین اقدامات می‌توان به کشف دومین میدان نفتی عظیم شرکت در هفتکل در سال ۱۳۰۶ و کشف اولیه میدان گچساران در سال ۱۳۰۷ اشاره کرد که دامنه سکونت مناطق نفت‌خیز را گسترده‌تر کرده بود. البته این مناطق بیشتر نام اقامتگاه را با خود یدک می‌کشیدند و مفهومی به نام شهرسازی به تازگی در حال پا گرفتن بود.



شکل ۴. بنگله شماره ۳ آبادان

منبع: بایگانی شخصی آقای رضا شیخزاده

دوره دوم. از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۳۰ش / ۱۹۳۳ تا ۱۹۵۰م.

پس از کشمکش‌های فراوان میان دولت ایران و شرکت نفت، سرانجام در ششم آذر ۱۳۱۱ رضاشاه قرارداد داری را یک‌طرفه لغو کرد و پرونده مذاکرات را در درون بخاری انداخت (حشمت‌زاده، ۱۳۸۳: ۹) و پس از مذاکرات طولانی در هفتم خرداد ۱۳۱۲ قرارداد جدیدی جایگزین آن شد که علاوه بر آنکه عایدی بیشتری از فروش نفت را نصیب ایران می‌کرد، تعهدات جدیدی نسبت به نیروی کار ایرانی شرکت، به‌ویژه در امر مسکن (ماده ۱۷) را نیز موجب می‌شد. برخلاف بی‌میلی شرکت نسبت به سرمایه‌گذاری در طرح‌های مسکن، از یک سو به علت قرارداد جدید و از سوی دیگر، به سبب افزایش حجم عملیات و نیز توسعه مناطق نفت‌خیز، در این دوره ساخت مسکن رونق بیشتری پیدا کرد؛ تا جایی که در یک دوره پنج‌ساله از ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۹م/۱۳۱۳ تا ۱۳۱۸ش، حدود ۴۵۰۰ واحد مسکونی از سوی شرکت نفت ساخته شد (Ferrier, 1982: 103). همچنین از حالت طراحی تک‌واحد‌های مسکونی بزرگ برای مدیران ارشد، توجه به مسائل طراحی شهری و نگرش برنامه‌ریزی منطقه‌ای خارج شد که به طراحی و ساخت اولین مجموعه‌های مسکونی مدرن در ایران منجر شد. البته طراحی و برنامه‌ریزی در این وسعت، به طراحان حرفه‌ای نیاز داشت که از این زمان به بعد پای طراحان حرفه‌ای به ایران و به‌ویژه آبادان باز شد.

مسئله مهم دیگر، ورود آخرین دستاوردهای فناوری و همچنین ایده‌های نوگرایانه همراه با این طراحان بود که امکان اجرای آنها در بریتانیا وجود نداشت و بهترین محل آزمایش آنها، در مستعمرات و مناطقی چون ایران بود. برای مثال، نظریه «باغ‌شهر»ها تا سال ۱۹۳۰ به صورت الگوی طراحی شهری درآمد که جهانیان آن را پذیرفته بودند (کرینسون، ۱۳۸۵: ۱۰۳) و در زمان کوتاهی در طراحی شهر آبادان به اجرا گذاشته شد. بر این اساس، در سال ۱۳۱۳ محله «بوارده» در آبادان به عنوان یکی از موفق‌ترین پروژه‌های مسکونی ایران توسط «جیمز مالیسون ویلسون»<sup>۱</sup> معمار رسمی شرکت طراحی شد (شکل ۵). این پروژه به ایرانی‌های تحصیل‌کرده در بریتانیا نیز اختصاص داشت (Karimi, 2013: 81). علاوه بر آن، محله «بریم» نیز توسعه یافت و در این زمان «بریم به الماس تمامی محلات مسکونی در ایران تبدیل شده بود» (Karimi, 2009: 87). در این محله نیز همانند بوارده با تشکیل سایت‌های دایره‌ای، مثلثی و مربعی، خانه‌هایی در گونه‌های متفاوت طراحی شد. چهار منطقه بهمنشیر، فرح‌آباد، بهار و احمدآباد به کارگران اختصاص داشت که در آنها خانه‌هایی ردیفی<sup>۲</sup> با دیوارهای بلند و حیاط‌های کوچک و دیوار به دیوار یکدیگر - و برعکس بریم و بوارده - در تراکم بسیار کمتر،

1. James Mollison Wilson  
2. Row Houses

در حدود ۳۱ تا ۳۶ واحد در هکتار ساخته شدند (احسانی، ۱۳۷۸: ۲۳).



شکل ۵. تصویر هوایی محله بوارده

منبع: کرینسون، ۱۳۸۵

در سال‌های جنگ جهانی دوم، شرکت نفت با شرایط دوگانه‌ای روبه‌رو شد. از یک سو، افزایش تولید باعث افزایش استخدام کارگران شد و از سوی دیگر، افزایش کارگران باعث افزایش نیاز به مسکن شد که شرکت از تأمین آن عاجز بود؛ به همین دلیل در گزارش‌های نمایندگان دولت انگلیس به کابینه درباره شرایط مناطق نفت‌خیز خوزستان طی سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۰، همواره برخلاف خوب و مطلوب توصیف کردن شرایط حقوق و دستمزد و بهداشت و آموزش، مسئله مسکن را مشکل اصلی شرکت نفت بیان می‌کردند (TNA, D7654831 & D7655059 & D7656081). بر همین اساس، شرکت ناچار به اجرای برنامه‌های مفصل‌تری برای تأمین مسکن با پیش‌بینی ساخت هشتصد واحد در سال شد. لذا در سال ۱۹۵۰ درصد توسعه ساخت خانه‌های آجری موسوم به «آرکن»<sup>۱</sup> برآمد که در زیر یک سقف واحد، چند عدد از آنها قابلیت تولید داشت و با سرعت بیشتر و هزینه کمتر ساخته می‌شد (TNA, D7656081) و پیش از آن تعدادی از این خانه‌ها به صورت آزمایشی در شمال غربی احمدآباد ساخته شده بودند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۹۴۲)؛ زیرا در این زمان تنها ۵۴۹۸ نفر از مجموع ۳۰۵۲۱ نفر کارکنان ایرانی در آبادان (معادل ۱۸ درصد از کل کارکنان) و حدود تنها ۳۵ درصد از آنها در سایر مناطق نفت‌خیز شامل مسجدسلیمان، هفتکل، لالی و غیره در خانه‌های مسکونی سکونت داشتند که البته بیشتر آنها

کارمند عالی‌رتبه بودند. همچنین این مشکل، شرکت را بر آن وا می‌داشت تا به‌طور اساسی در اندیشهٔ تعدیل نیروهای مازاد باشد و مذاکرات و اقدامات مفصلی در این راستا انجام دهد (TNA, D7656081).

### ۳. نقش مسکن در نارضایتی کارگران ایرانی شرکت

نارضایتی، حاصل اختلاف وضع موجود با وضع مطلوب است و نارضایتی کارگران ایرانی شرکت، از جمله نارضایتی از موضوع مسکن نیز باید با توجه به تفاوت وضعیت کار و معیشت آنان با اوضاع مطلوب شکل گرفته باشد. برای پی بردن به این تفاوت و دستیابی به هدف پژوهش، لازم است شرایط کار و زندگی کارگران - با تأکید بر موضوع مسکن - با سایر مردم منطقه در خارج از چارچوب شرکت (مقایسهٔ سیستم با محیط) بررسی و سپس اهمیت مسکن در برابر سایر عوامل شغلی و معیشتی کارگران (مقایسهٔ درون‌سیستمی) در طول زمان فعالیت شرکت نفت سنجیده شود. این قیاس نیز با توجه به دو دورهٔ زمانی بررسی شده در بخش پیشین مقاله صورت می‌گیرد.

#### نقش مسکن در نارضایتی‌های دورهٔ اول

با وجود آنکه مسئلهٔ آبادانی خوزستان از میانه‌های پادشاهی ناصرالدین شاه مورد توجه قرار گرفته بود و افراد مختلفی را برای بازدید به آنجا گسیل می‌داشت (کاشانی، ۱۳۷۰: ۱۲۹)، در زمان اکتشاف نفت اوضاع چندان مناسبی نداشت. خوزستان در این زمان به جز دو شهر بزرگ دزفول و شوشتر، از تعدادی روستا و مردم عشایری عمدتاً عرب و بختیاری تشکیل می‌شد. البته این دو شهر نیز از عمران چندانی برخوردار نبودند. گفتنی است تا پیش از کشف نفت، اقتصاد خوزستان بر سه محور دامداری، کشاورزی (به‌ویژه نخل‌داری) و تجارت استوار بود (جعفری قنواتی، ۱۳۸۳: ۱۳۰) و سیاست‌گذاری‌های دولت مرکزی بسیار ضعیف و «تنها دغدغه‌شان جمع‌آوری مالیات بیشتر از رعایای تحت حکومتشان بود» (نوذرپور، ۱۳۶۹: ۶۷). در این شرایط و با کشف نفت و اقدامات بریتانیایی‌ها، نیروی کار غیرمتخصص به سمت این مناطق سرازیر شد که بسیاری از آنها حتی با وجود دریافت مزد نیز کار نمی‌کردند (علم و کاشانی، ۱۳۹۵: ۱۶۵). طی این دورهٔ زمانی نیز می‌توان دو بازهٔ زمانی، یعنی ۱۲۸۷ تا تاج‌گذاری رضاخان و همچنین از زمان تاج‌گذاری تا سال ۱۳۱۲ را در نظر گرفت.

تا سال ۱۳۰۳ «شرکت برای عموم کارکنان انگلیسی، خانه‌های مناسب و راحت در آبادان و مناطق [نفت‌خیز] ساخته و وسایل آسایش را کاملاً فراهم کرده بود... ولی برای ایرانیان اعم از کارگر و کارمند معمولی، خانه و مسکنی تا آن تاریخ ساخته نشده بود و آنها مجبور بودند در

کپرهای حصیری، آلونک‌های روستایی و یا در خانه‌هایی که بعضی اشخاص متفرقه ساخته بودند، زندگی کنند» (حسن‌نیا و سلیمی، ۱۳۹۰: ۵۱۶). بیشتر این خانه‌ها به منظور اسکان موقت ساخته شده بودند، ولی برای مدت طولانی مورد استفاده قرار گرفتند (دورتینگ، ۱۳۸۲: ۲۰۰). در این ایام، اوضاع کارگران شرکت با زندگی پیش از استخدام در شرکت چندان تفاوتی نداشت و فقط شغل خود را از شرکت دریافت کرده بودند که اقتصاد صنعتی را جایگزین اقتصاد کشاورزی و دامداری کرد. به‌طور طبیعی اوضاع جدید، نارضایتی چندان را موجب نمی‌شد و تا پیش از سلطنت رضاشاه، تنها اعتصاب سال ۱۲۹۹ توسط کارگران هندی با خواسته‌هایی نظیر افزایش دستمزد، تقلیل ساعت کاری و غیره (ندیم و حبیبی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۶۶) گزارش شده است که کارگران ایرانی در آن نقشی نداشتند. البته این اعتصاب، به ایرانیان آموزش استیفای حقوق خود را داد.

با به قدرت رسیدن رضاشاه در نیمه دوم این دوره، شرایط اندکی متفاوت شد و حکومت مرکزی که تا پیش از آن چندان نفوذ و اقتداری در خوزستان و مناطق نفت‌خیز نداشت، دچار تنش‌هایی با شرکت نفت در توسعه نفوذ خود در این مناطق شد؛ به همین دلیل پس از سال ۱۳۰۳ که نفوذ و قدرت حکومت مرکزی در خوزستان بیشتر شد، کارکنان دیگر حاضر نبودند شرایط خفت‌بار پیشین را تحمل کنند (علم و بابادی، ۱۳۹۴: ۳۸) و از دولت جدید مقتدر خود، در مقابل سیاست‌های تبعیض‌آمیز شرکت انتظار حمایت را داشتند. همه این موارد مقدمات اعتصاب گسترده سال ۱۳۰۸ ش. را فراهم کرد که طی آن علاوه بر ورود جریان‌ها و عوامل سیاسی بیرونی، نقش مسکن نیز به عنوان یکی از عوامل درونی نارضایتی‌ها پس از حقوق و دستمزد، چشمگیر بوده است. البته اقدامات عمرانی -ولو محدود- شرکت نفت با توجه به اوضاع آن ایام ایران، مورد تأیید و الگویی برای اصلاحات رضاشاه بوده است. «سرجان کدمن»<sup>۱</sup> که در مذاکرات اصلاح قرارداد داری، با رضاشاه نشست خصوصی برگزار کرده بود، از قول وی نقل کرده است که: «شخصاً همیشه بر این اعتقاد بوده است که کارهای شرکت نفت در خوزستان باید الگویی باشد برای مردم ایران که از آن تقلید کنند...» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۶: ۷۳). با این حال، شرکت نفت در این دوره هیچ تمایلی به ساخت مسکن انبوه برای کارگران ایرانی خود نداشت و البته فشار چندان از این بابت احساس نمی‌کرد. «در سال‌های آغازین کار شرکت، بیشتر خانه‌ها از آن کارکنان ارشد بود و تأمین مسکن کارگران و حتی کارگران جزء به بازار آزاد و یا شهرداری واگذار می‌شد» (کرینسون، ۱۳۸۵: ۹۹). گویا در ابتدا به علت کم بودن تعداد سکونتگاه مجلل انگلیسی‌ها، حساسیت چندان در میان مردم بومی

منطقه ایجاد نمی‌شد، اما به نظر می‌رسد در سال‌های پایانی این دوره، دیدن نابرابری‌های شغلی نسبت به کارگران ایرانی و همچنین توسعه اقدامات عمرانی و رفاهی شرکت، نارضایتی آنها را برمی‌انگیخت و به اعتصاب و می‌داشت. با این حال، نقش مسکن در این نارضایتی‌ها چندان برجسته نبوده است.

### نقش مسکن در نارضایتی‌های دوره دوم

در این دوره نیز مناطق غیرشرکتی خوزستان از لحاظ آبادانی تفاوت چندانی با دوره قبل نداشت. اهواز پس از انتخاب به عنوان مرکز استان، تا حدودی توسعه یافت که آن نیز مرهون شرکت نفت بود. از لحاظ اقتصادی نیز تشکیل ادارات دولتی، شهرداری‌ها، راه‌آهن، ارتش و غیره مشاغل جدیدی ایجاد کرد که در مقابل شرکت نفت چندان اهمیت و وسعتی نداشتند. در مقابل، با توسعه عملیات شرکت نفت شهرهای جدیدی در این منطقه سر برآوردند و تکامل پیدا کردند. این شهرها با آنچه که تا آن زمان، نه تنها در خوزستان بلکه در کل کشور وجود داشت، یعنی شهرهای سستی و مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و دامداری، به کلی متفاوت بودند. شهرهایی مدرن با مهندسی اجتماعی و روابط اقتصادی جدید بر مبنای اقتصاد صنعتی که با افزایش مناطق نفت‌خیز در لالی، هفتکل، نفت‌سفید و آغاچاری، بر تعداد آنها افزوده شد. در این مقطع، خانه‌های شرکت حتی خانه‌های کارگری، از خدمات زیربنایی چون آب آشامیدنی، فاضلاب، برق و وسایل سرمایشی بهره‌مند بودند (TNA, D7656081) که در کل کشور بسیار بی‌نظیر بود.

از آنجا که «تأسیس ارتش، تأمین بودجه ارزی مورد نیاز برای ایجاد راه‌آهن، کارخانجات و ساخت ایران نوینی که به عنوان یک ایران مستقل و ملی بتواند در مقابل کمونیست‌ها ایستادگی کند، همگی مستقیماً به ارزش نفت وابسته بود» (حشمت‌زاده، ۱۳۸۳: ۹)، رضاشاه به اصلاح قرارداد داری اقدام کرد. در قرارداد جدید موادی در حمایت از کارگران ایرانی و تأمین مسکن آنها گنجانده شد که در عمل، بیشتر به کام کارمندان بریتانیایی و تا حدودی کارمندان ایرانی بود و به همین دلیل تا پایان سلطنت رضاشاه و در خلال جنگ جهانی دوم اعتصاب چندانی گزارش نشده است. در این سال‌ها شرکت با اعتقاد به کیفیت مسکن، به طراحی و ساخت مجموعه‌های مسکونی مبادرت ورزید که شهرهای نفتی را به نگرینی در خوزستان تبدیل ساخت. البته این آرامش به مثابه آتش زیر خاکستر بود که در سال ۱۳۲۵ ش. شعله‌ور شد؛ زیرا برعکس دوره قبل که کم بودن تعداد اقامتگاه‌های بریتانیایی‌ها حساسیتی در میان کارگران ایرانی ایجاد نکرد، توسعه و تجهیز خانه‌ها و محلات مسکونی شرکت نفت بعد از سال ۱۳۱۲ به صورت یک شمشیر دولبه عمل کرد و علاوه بر تمایل بیشتر کارگران به تأمین

مسکن توسط شرکت، باعث رقابت درونی نیز شد؛ بدین معنا که کارگران مناطق در حال توسعه استخراج نفت، همچون آغاچاری، نفت سفید و هفتکل با دیدن شهرهای آبادان و مسجدسلیمان خواهان تحقق این امر در مناطق خود شدند. به ویژه آنکه «در سال‌های جنگ جهانی تولید نفت دوبرابر و تعداد کارگران نیز بیش از دوبرابر شده بود» (TNA, D7654831)؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۲۹ جمعیت شاغل ایرانی در شرکت، تقریباً برابر یک چهارم کل جمعیت شاغل در صنایع ایران بود (شکل ۶) و روند ساخت مسکن در مناطق نفت‌خیز شرکت، تکافوی این افزایش حجم را نمی‌داد. بر این اساس، در مرحله اول اعتصابات سال ۱۳۲۵ که در آغاچاری شکل گرفت، مسکن در کنار افزایش دستمزد به عنوان یکی از خواسته‌های اصلی کارگران مطرح شد. حال آنکه در مرحله دوم اعتصابات که در آبادان اتفاق افتاد، در بیانیه‌ای که از سوی اتحادیه کارگران در مورخ ۲۲ تیر ۱۳۲۵ صادر شد، به‌طور عمده خواسته‌ها سیاسی بودند و در آن اشاره خاصی به مسکن نشده بود (ندیم و حبیبی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

البته نباید از این امر غافل بود که حجم بالای ساخت‌وساز مسکن در آبادان، در مقابل تعداد بسیار زیاد کارگران، اندک به نظر می‌رسید و در همین شهر نیز مسئله درخواست مسکن قابل توجه بود. در اسناد منتشر شده از بایگانی ملی بریتانیا، دو گزارش بازدید نمایندگان دولت به هیئت وزیران در اول اکتبر ۱۹۴۶ (آبان ۱۳۲۵) و ۱۰ آوریل ۱۹۴۷ (فروردین ۱۳۲۶) به چشم می‌خورد که هر دو بازدید در ژوئن (خرداد ۱۳۲۵) و اکتبر (آبان ۱۳۲۵) سال ۱۹۴۶ انجام شده و نشان دهنده به تکاپو افتادن شرکت و دولت انگلیس است.

Working Population	
2. Working population by main industrial groups is divided (roughly) as follows:—	
(a) Manufacturing industry—Governmental and private...	64,000
of which—	
Government sugar refineries ... ..	4,500
Government textile ... ..	8,400
Government tobacco ... ..	2,000
Government chemicals ... ..	2,500
Private textiles ... ..	20,600
Private wool carding ... ..	2,000
Private match factories ... ..	4,000
Other industries (miscellaneous) ... ..	20,000
Anglo-Iranian Oil Co. ... ..	72,500
Government Railways ... ..	17,900
Mines ... ..	4,900
Silos ... ..	1,100
Fisheries ... ..	2,300
Hand looms and carpet weavers (estimated) ... ..	151,000
Grand total ... ..	313,700
(b) Civil service, including teachers, amounts to about 77,000, without including the Ministry of Finance and its subsidiaries, which may have anything from 40,000 to 70,000 personnel, plus the Army, Gendarmerie, Police and Ministry of War, exact figures of which are unknown.	
(c) Agriculture.—About 12 million of the population are directly or indirectly engaged in agriculture.	

شکل ۶. جمعیت شاغل در ایران و سهم کارکنان شرکت نفت انگلیس و ایران در آن

منبع: TNA, D7656081

اولین بازدید در خلال مرحله اول و دوم اعتصابات سال ۱۳۲۵ انجام گرفته است. در ضمیمه این گزارش که در هفت زمینه تهیه شده، ضمن سیاسی دیدن اعتصابات اخیر و بهره‌برداری حزب توده از خواسته‌های کارگران، با خوب و عالی توصیف کردن بسیاری از این زمینه‌ها و کیفیت خوب مسکن موجود، به کمبود هزاران خانه اشاره شده بود که می‌توانست نارضایتی‌ها را بیشتر کند. با این حال، مقوله مسکن در عرض سایر مقوله‌ها قرار گرفته بود. در گزارش دوم که به فاصله تقریبی شش ماه بعد از بازدید اول انجام شده، به خوبی آثار اعتصاب‌ها قابل مشاهده است. در این فاصله زمانی، لایحه قانون کار در دولت قوام و تحت فشار مرحله اول اعتصابات به تصویب رسیده بود (ندیم و حبیبی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۷۲). با این حال در گزارش یاد شده که در نه زمینه تهیه شده بود، ضمن رضایت از همه موارد و اوضاع دستمزد شرکت نسبت به قانون حداقل حقوق مصوب کار، مهم‌ترین بخش به مسکن اختصاص داده شده بود. در بند سوم با عنوان «خانه‌سازی»، با اشاره به برنامه‌های جامع شرکت در ساخت خانه و رضایت از کیفیت آن، زمانی حدود دو سال در آبادان و پنج سال در مناطق نفت‌خیز برای اجرای این طرح پیش‌بینی شده بود. همچنین با توجه به وجود بسیاری از کارگران بدون خانه و نیز افزایش مناطق نفت‌خیز، به صراحت از سیاست تغییرات در خانه‌های موجود و تبدیل آنها از دوخواه به سه‌خواه انتقاد شده بود (TNA, D7655059). شرکت نیز در برنامه ساخت مسکن تغییر ایجاد کرده بود و به آن سرعت بخشید که در اسناد موجود درباره درخواست واگذاری زمین به شرکت در مناطق مختلف نفت‌خیز خوزستان - به‌ویژه در سال ۱۳۲۷ - برای ساخت مسکن، این تغییر نگاه به روشنی دیده می‌شود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۳۰/۳۳۵۲۹). همچنین از دولت ایران خواسته شده بود تا در اجرای این برنامه همکاری کند؛ به همین دلیل پس از تشکیل سازمان برنامه و تدوین برنامه عمرانی اول هفت‌ساله در سال ۱۳۲۷، دولت در بودجه خود مبالغی را به ساخت مسکن کارمندان دولتی، به‌ویژه در آبادان اختصاص داد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۴۰۰۴). با همه این تلاش‌ها، زمان‌بر بودن آنها باعث تداوم نارضایتی کارگران ایرانی طی سال‌های بعد از ۱۳۲۵ و بهره‌برداری‌های سیاسی حزب توده از این امر شده بود. در گزارشی که توسط وزیر امور خارجه، وزیر کار و خدمات اجتماعی و وزیر سوخت و انرژی بریتانیا پس از بازدید و جمع‌آوری گزارش‌های محلی در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۰ (آذر ۱۳۲۹) و در خلال جنبش ملی شدن نفت، تهیه و به هیئت وزیران ارائه شد، ضمن بهتر توصیف کردن شرایط کاری نسبت به سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم، تنها دلیل نارضایتی‌های جدید در میان سیاست‌های اجتماعی و کاری شرکت، کمبود مسکن برای کارگران ایرانی دانسته شده بود (TNA, D7656081)؛ به



همین دلیل ردّ پای مسکن در اعتصاب‌های سال ۱۳۳۰ نیز به چشم می‌خورد. «علت اعتصاب این بود که شرکت نفت برای برخی از کارگران خود در بندر معشور خانه‌هایی ساخته و تحویل آنها داده بود و می‌خواست فوق‌العاده‌ای که در سابق به کارگران بی‌خانه می‌داد را قطع نماید» (ندیم و حبیبی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۷۹). در اعتصاب‌های مسجدسلیمان نیز وضع مسکن و سرویس‌های حمل‌ونقل مطرح بود (کاشانی و علم، ۱۳۹۶: ۱۲). با این حال، شرکت نفت که وادار به تمکین از خواسته کارگران شده بود، موفق به اجرای کامل برنامه‌های ساخت مسکن خود، به‌ویژه در مناطق نفت‌خیز نشد و با ملی شدن نفت و خلع ید شرکت نفت انگلیس و ایران، یکه‌تازی انگلیسی‌ها در منابع نفت ایران به پایان رسید.

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش مسئله مسکن نسبت به سایر عوامل درونی در ایجاد نارضایتی میان کارگران ایرانی در طول فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران به عنوان حاکم منابع نفتی ایران بوده است. در این راستا، ضمن بررسی مسئله تأمین مسکن در شرکت نفت، به اعتراض‌ها و اعتصاب‌های شکل گرفته حاصل از آن در طول این دوره پرداخته شد که براساس اصلاح قرارداد داری در سال ۱۹۳۳، به دو دوره زمانی مشخص قابل تفکیک است. در دوره اول (۱۲۸۷-۱۳۱۲ش) مسکن شرکتی فقط به کارکنان بریتانیایی به منظور تأمین رفاه آنها اختصاص داشت و سهم بخش قلبی از کارگران ایرانی، نوعی سرپناه بسیار ساده بود. با این حال، شرایط زندگی ابتدایی گذشته کارگران و انتظار صرفاً شغلی آنها از شرکت، شرایط زندگی سایر مردم منطقه و کشور، وسعت کم مناطق عملیاتی و نیز فضاهای مسکونی ساخته شده توسط شرکت و غیره باعث شده بود تا کارگران ایرانی حساسیت چندانی نسبت به موضوع مسکن نداشته باشند. البته پس از به قدرت رسیدن رضاشاه و همچنین نفوذ حزب توده در میان تشکل‌های کارگری، شرایط تا حدودی تغییر کرد و به شکل اعتصاب‌های سال ۱۳۰۸ ظاهر شد. البته در این دوره، مسکن نقش پررنگی در میان علل نارضایتی کارگران ایرانی - از جمله اصلاح حقوق و دستمزد - نداشته است.

با اصلاح قرارداد داری در سال ۱۳۱۲ش. و همچنین گسترش مناطق نفت‌خیز، شرکت اقدام به طرح و اجرای برنامه‌های گسترده ساخت مسکن در آبادان و مناطق نفت‌خیز کرد که به‌ویژه تا پایان سلطنت رضاشاه این مناطق را به شهرهایی برجسته در کل کشور تبدیل کرد و در این سال‌ها اعتراضی را موجب نشد، اما با آغاز جنگ جهانی دوم و افزایش تولید نفت، تعداد کارگران به سرعت افزایش یافت و در کنار رکود برنامه‌های رفاهی و عمرانی شرکت،

مسئله مسکن به یک عامل نارضایتی مهم تبدیل شد و در اعتصاب‌های گسترده سال ۱۳۲۵ نقش مهمی ایفا کرد. دولت بریتانیا و شرکت نفت نیز با احساس خطر از شرایط به وجود آمده، با تغییر در رویکرد خود مبنی بر ساخت مسکن باکیفیت، برنامه‌های گسترده‌ای را به منظور تأمین کمی مسکن کارگران در پیش گرفتند و سایر عوامل نارضایتی را مردود شمردند، اما پس از مدت کوتاهی مواجهه دولت بریتانیا و شرکت نفت با مسئله کمبود زمان برای ساخت تعداد بسیار زیاد خانه‌های مورد نظر که در این دوره زمانی به اصلی‌ترین و واقعی‌ترین عامل درونی نارضایتی‌های کارگران تبدیل شد و به وسیله عوامل بیرونی سیاسی تشدید شده بود، سرانجام به اعتصابات اوایل سال ۱۳۳۰ و خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران منتهی شد.

### منابع و مأخذ

- احسانی، کاوه (پاییز ۱۳۷۸)، «تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت- شهرک‌های خوزستان: نگاهی به تجربه آبادان و مسجد سلیمان»، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۵، صص ۹-۴۶.
- اطهری، کمال (مرداد و شهریور ۱۳۷۰)، «مسجد سلیمان شرکت شهری مدنیت یافته»، اطلاعات سیاسی/اقتصادی، شماره ۴۷ و ۴۸، صص ۶۵-۶۹.
- بختیاری، خسروخان (مهر ۱۳۵۶)، «خاطرات سردار ظفر»، مجله وحید، شماره ۲۱۷، صص ۵۸-۶۰.
- بیات، کاوه (آذر ۱۳۸۴)، «در کنار یا بر کنار از کارگران ایران: (آبادان، اردیبهشت ۱۳۰۸)»، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۴، صص ۶۹-۸۶.
- «بیوگرافی رینولدز نخستین کاشف نفت ایران» (۱۳۵۱)، ترجمه باقر علوی، مجله وحید، شماره ۱۰۶، صص ۷۶۶-۷۷۹.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۸۳)، «نفت و بازتاب آن در آثار داستان‌نویسان خوزستانی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۹، صص ۱۲۷-۱۴۷.
- حسن‌نیا، محمد و هدی سلیمی (پاییز ۱۳۹۰)، «اوضاع مناطق نفت‌خیز ایران پس از کشف نفت و تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس»، پیام بهارستان، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۵۰۵-۵۵۴.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (اسفند ۱۳۸۳)، «آرزوهای داری طعم کنسرسیوم»، مجله زمانه، سال سوم، شماره ۳۰، صص ۳-۲۱.
- دورتینگ، پولین لاواین (۱۳۸۲)، «شهرک‌های شرکت نفت انگلیس و ایران در خوزستان؛ مطالعه‌ای درباره تاریخ شهرک‌نشینی (۱۹۵۱-۱۹۰۸)»، ترجمه بشیر یاقمورلی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۵، صص ۱۹۹-۲۰۶.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۳۰/۳۳۵۲۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۴۰/۹۴۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۴۰/۴۰۰۴.

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۷۱

- شیخ الاسلامی، جواد (فروردین تا خرداد ۱۳۶۶)، «دیدارها و یادگارها: خاطرات سر جان کدمن و داستان تجدید امتیاز نفت جنوب»، فصلنامه آینه، سال سیزدهم، شماره ۱ تا ۳، صص ۶۳-۸۲.  
- عباسی شهنی، دانش (۱۳۷۵)، تاریخ مسجد سلیمان (از روزگاران باستان تا امروز)، تهران: انتشارات هیرمند.

- علم، محمدرضا و عصمت ببادی (بهار ۱۳۹۴)، «تأثیر اقدامات شرکت نفت انگلیس و ایران در ساختار اقتصادی، عمرانی و فرهنگی اهواز»، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۹۷، صص ۲۸-۵۰.  
- علم، محمدرضا و سکینه کاشانی (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «بررسی عملکرد شرکت نفت انگلیس و ایران در مقابل نیروی کار بومی (از ابتدا تا ملی شدن نفت)»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۸، صص ۱۶۳-۱۸۰.

- قاسمی، ایرج و محمدعلی محمدی (۱۳۹۶)، تحولات اجتماعی شهرهای نفتی: تاریخ یکصدساله مناطق نفت خیز جنوب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.  
- کاشانی، سکینه و محمدرضا علم (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، «زمینه‌های شکل‌گیری اعتصابات کارگران نفت در خوزستان (۱۳۳۰-۱۳۲۹)»، فصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران، دوره ۶، شماره اول (پیاپی ۱۱)، صص ۱۱-۲۴.

- کاشانی، میرزا تقی خان (۱۳۷۰)، «گنج شایگان (گزارش سفر خوزستان)»، به اهتمام جمشید مظاهری، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۳، صص ۱۲۷-۲۰۶.  
- کرینسون، مارک (زمستان ۱۳۸۵)، «آبادان: شهرسازی و معماری تحت مدیریت شرکت نفت انگلیس و ایران»، ترجمه فرزین فردانش، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۶، صص ۹۵-۱۰۷.

- ندیم، مصطفی و رضا حبیبی نژاد (زمستان ۱۳۹۵)، «روند شکل‌گیری اعتصابات کارگری در مناطق نفت خیز خوزستان»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۶، شماره ۳۲ (پیاپی ۱۲۲)، صص ۱۵۹-۱۸۶.  
- نوذرپور، علی (پاییز ۱۳۶۹)، «بررسی سازمان قدرت جامعه عشایری عرب استان خوزستان»، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۵، صص ۵۶-۶۱.

- Bamberg, J.H. (1994). The history of British Petroleum Company-Vol.2- The Anglo Iranian years 1928- 1954, Cambridge: Cambridge University Press  
- Ferrier, R. (1982).The history of British Petroleum Company-Vol.1- The Developing years 1901- 1932, Cambridge: Cambridge University Press  
- Karimi, P.(2009). Transitions in Domestic Architecture and Home Culture in Twentieth Century in Iran, Ph.D Thesis in Architecture, Massachusetts Institute of Technology  
- Karimi, P.(2013). Domesticity and Consumer Culture in Iran: Interior Revolutions of the Modern Era, New York: Routledge  
- TNA. D7654831. Ref: CAB/129/13  
- TNA. D7655059. Ref: CAB/129/18  
- TNA. D7656081. Ref: CAB/129/42

**List of sources with English handwriting**

- 'Abbāsī Shihni, Dānish. (1995). Tārīkhi Masjid Suliyman, Tihran: Intishārati Hirād.
- Alam, Mohammad Reza and Esmat Babadi. (2015). "The Effects of Anglo-Iranian Oil Company Activities on Economy, Development and Culture of Ahwaz", GANJINE-YE ASNAD (28-51), Issue97, Sāzmāni Asnād wa Kitābkhānihi Millīyi Jumhūrīyi Islāmīyi Irān.
- 'Alam, Muḥammad Riḍā wa Kāshāni, Sakīnih. (2016). "Studying on the Function of Anglo-Iranian Oil Company against Indigenous Labor", Journal of Historical Research (163-180), Issue18 Sīstān wa BalūchistānUniversity.
- Aṭhārī, Kamāl. (1991). "Masjid Suliyman Shirkati Shahrīyi Madaniyat Yāftih", Ittilā'āti Siyāsī Iqtisādī (65-69), Shumārīhi 47 wa 48, Murdād wa Shahrīwar 1991, Tihran: Mu'assisīhi Ittilā'āt.
- Bakhtiyārī, Khusru Khān. (1977). "Khātirāti Sardār Zafar", Majallīhi Waḥīd (62-65), Shumārīhi 219 wa 220, Tihran.
- Bayāt, Kāwih. (2005). "Dar Kinār yā Barkinār az Kārgarāni Irān: Ābādān Miy 1929, Faṣlnāmīhi Guftugū (69-86), Shumārīhi 44, Tihran.
- Durtīng, Pūlīn Lāwāyn. (2003). "Shahrakhāyi Shirkati Nafti Ingilīs wa Irān dar Khūzistān, Muṭālī'īhi Darbārīhi Tārīkhi Shahrak Nishīnī (1908-1951)", Faṣlnāmīhi Tārīkhi Rawābiṭi Khārijī (199-206), Shumārīhi 15, Wizārati Umūri Khārijihi Jumhūrīyi Islāmīyi Irān.
- Ḥasaniyā, Muḥammad wa Salīmī, Hudā. (2011). "Uwḍā' Manāṭiqi Naftkhīzi Irān pas az Kashfi Naft wa Tashkīli Shirkati Nafti Ingilīs wa Irān", Payāmi Bahāristān (505-554), Sāli Chāhārum, Shumārīhi 13, Kitābkhānihi Mūzih wa Markazi Asnādi Majlisi Shurāyi Islāmī.
- Ḥishmatzādīh, Muḥammad Bāqir. (2004). "Ārizūhāyi Dārsī Ta'mi Kunsirsīyum" Majallīhi Zamānih (3-21), Sāli Siwwum, Shumārīhi 30, Isfand 2004, Tihran: Kānūni Andīshīhi Jawān.
- Iḥsānī, Kāwih. (1999). "Tajaddud wa Muhandisīyi Ijtimā'ī dar Shirkati Shahrhāyi Khūzistān: Niḡāhī bih Tajrubīhi Ābādān wa Masjid Suliyman", Faṣlnāmīhi Guftugū (9-45), Shumārīhi 25, Tihran.
- Ja'fari Qanawāti, Muḥamad. (2004). "Naft wa Bāztābi Ān dar Dāstān Niwīsāni Khūzistān", Faṣlnāmīhi Muṭālī'āti Millī (127-150), Shumārīhi 19, Tihran: Mu'assisīhi Muṭālī'āti Millī.
- Kāshānī, Mīrzā Taqī Khān. (1882). "Guzārishi Safari Khūzistān", bih Himmati Jamshīd Mazāhirī, Nashrīhiyī Dānishkadihi Adabīyāt wa 'ulūmi Insānīyi Dānishgāhi Isfahān (127-207), Durīhi Duwwum, Shumārīhi 3, Sāli 1991, Isfahān.
- Kashani Sakineh, Mohammadreza Alam. (2017). "Causes of Strike of the Oil Workers in Khuzestan (1329-1330)", Journal of Iran Local Histories (9-22), V6, Issue1, Payam Noor university.
- Krīnsun, Mār. (2006). "Ābādān: Shahrāsāzi wa Mi'mārī taḥti Mudīriyati Shirkati Nafti Ingilīs wa Irān", Tarjumīhi Farzīn Fardānish, Faṣlnāmīhi Gulistāni Hunar (95-107), Shumārīhi 6, Zimistān 2006, Farhangistāni Hunari Jumhūrīyi Islāmīyi Irān.
- Majallīhi Waḥīd. (Mīhr 1972). Majallīhi Bīpī: Bīyūgrāfīyi Riynuldz Nukhustīn Kāshifi Nafti Irān, Tarjumīhi Bāqir 'alawī, Shumārīhi 106 (766-779), Tihran.
- Nadīm, Mostafa, Reza Habibinejad. (2017). "Forming Labor Stike Processing in Khouzeestan Oil Zones (From Oil Genesis Till Oil Industry Nationalized Movement)1908-1951", (159-186), Journal of History of Islam and Iran, V26, Issue 32, Tehran, Alzahra University.
- Nudharpūr, 'alī. (1980). "Barrasiyi Sāzmāni Quḍrati Jāmi'īhi 'ashāyirīyi 'arabi Khūzistān", Faṣlnāmīhi Rushdī. Āmūzishi 'ulūmi Ijtimā'ī (67-71), Shumārīhi 6 wa 7, Tihran: Sāzmāni Pazhūhish wa Barnāmīhrīziyi Āmūzishīyi Wizārati Āmūzish wa Parwarish.

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۷۳

- Qāsimī, Īraj. (2008). Tārīkhi Yikṣad Sālihi Manāṭiqi Naftkhīzi Junūb, Rawābiṭi ʿumūmīyi Shirkati Millīyi Manāṭiqi Naftkhīzi Junūb.
- Sāzmāni Asnād wa Kitābkhānihi Millī Īrān: Sanadi Shumārihi 230/33529
- Sāzmāni Asnād wa Kitābkhānihi Millī Īrān: Sanadi Shumārihi 240/942
- Sāzmāni Asnād wa Kitābkhānihi Millī Īrān: Sanadi Shumārihi 240/4004
- Shiykh al-Islāmī, Jawād. (1987). "Dīdārḥā wa Yādīgārḥā: Khāṭirāti Sir Jān Kadman wa Dāstāni Tajdīdi Imṭiyāzi Nafti Junūb", Faṣlnāmihi Āyandih (63-82), Shumārihi 1 tā 3.

**(English)**

- Bamberg, J.H. (1994). The history of British Petroleum Company-Wol.2- The Anglo Iranian years 1928- 1954, Cambridge: Cambridge University Press
- Ferrier, R. (1982).The history of British Petroleum Company-Wol.1- The Deweloping years 1901- 1932, Cambridge: Cambridge University Press
- Karimi, P.(2009). Transitions in Domestic Architecture and Home Culture in Twentieth Century in Iran, Ph.D Thesis in Architecture, Massachussets Institute of Technology
- Karimi, P.(2013). Domesticity and Consumer Culture in Iran: Interior Rewolutions of the Modern Era, New York: Routledge
- TNA. D7654831. Ref: CAB/129/13
- TNA. D7655059. Ref: CAB/129/18
- TNA. D7656081. Ref: CAB/129/42



## The Role of Housing Policies in the Dissatisfaction of Workers of Anglo Iranian Oil Company in Khuzestan Oilfields<sup>1</sup>

Kaveh Rostampour<sup>2</sup>

Received: 2018.09.20

Accepted: 2019.09.01

### Abstract

The issue of housing has always played an important role among the internal factors contributing to the dissatisfaction of the workers of Anglo-Iranian Oil Company (AIOC) and the strikes held by them, because providing housing meant providing a shelter and giving identity to workers and their families. However, the role of housing issue in comparison with other occupational and welfare factors that affected AIOC during its operation has not been studied independently. Therefore, the present study has adopted a descriptive-analytical method and benefited from library-based and archival research to determine the role and importance of housing policies in various periods compared to other factors that resulted in dissatisfaction among the Iranian workers of AIOC. The Results showed that since the discovery of oil in Iran until the amendment of the D'Arcy agreement in 1933, the housing issue had not played any significant role in the dissatisfaction of workers, while it had become the main factor in this regard after 1933, especially after the end of Reza Shah's rule and the rise in the number of the company's workers during the second world war. The strikes held by the workers in 1946 made AIOC to change its policies and move toward mass production and satisfying the needs of its workers, but the company did not have enough time to implement its programs as the strikes continued and the Iranian oil was nationalized.

**Keyword:** Anglo-Iranian Oil Company, Housing, Oilfields, Workers dissatisfaction

---

1. DOI: 10.22051/hii.2019.21648.1743

2. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Engineering, Shahid Chamran University of Ahwaz. Email: k.rostampour@scu.ac.ir